



برای هر کدام از ما بارها اتفاق می‌افتد که در موقعیت تصمیم‌گیری و انتخاب قرار می‌گیریم. بعضی وقت‌ها ماجرا به حدی ساده است که به سرعت تصمیم می‌گیریم، اما ماجراهایی نیز اتفاق می‌افتد که انتخاب را برای ما دشوار می‌کند. بعضی‌ها حتی در تصمیم‌گیری‌های دشوار و پیچیده نیز تنها به دانسته‌های خود تکیه می‌کنند و به اطلاعات مفید دیگران اهمیتی نمی‌دهند. آنها فکر می‌کنند که در باره هر چیزی بهتر از دیگران می‌فهمند و دیگران نباید در باره آنها نظر بدهند.

به این ترتیب، این دسته از آدم‌ها بیشتر وقت‌ها، خود را از مقدار زیادی اطلاعات مفید محروم می‌کنند و به همین دلیل بارها دچار اشتباه می‌شوند. این ماجرا در تمامی نسل‌ها اتفاق می‌افتد. در پیچ و خم کوچه‌های شهر می‌توان از دیوار خانه‌ها داستان‌ها شنید، از آنهایی که در زمان تصمیم‌گیری‌های خاص زندگی، به دلیل بی‌اهمیتی به مشورت با افراد آگاه در جاده‌های اشتباهی قرار گرفته و از مسیر موفقیت دور شده‌اند.

گروه دیگری نیز هستند که مشورت می‌کنند، اما مشاوران خوبی را انتخاب نمی‌کنند و آنها نیز دچار اشتباه می‌شوند. وقتی کسی می‌خواهد برای رسیدن به بهترین انتخاب مشورت کند، باید سراغ کسانی برود که در آن زمینه اطلاعات و آگاهی داشته باشند. کسانی که در تمامی موارد تنها با چند نفر خاص مشورت می‌کنند، باید بدانند که آن چند نفر در همه زمینه‌ها تخصص و مهارت ندارند.

مشورت هنگامی مفید است که در شرایط منطقی انجام شود. شناختن کسانی که مشکل ما را می‌شناسند و می‌توانند راه گذشتن از آن را با استفاده از دانسته‌های خود نشان دهند، ما را در مسیری قرار می‌دهد که به سرانجام خوبی می‌رسد. مشورت در شکل حقیقی‌اش مانند نیروی کمکی است که ما را قادر می‌سازد تا با توجه به تمامی بایدها و نبایدها تصمیم بگیریم.

مشورت و همفکری با کسانی که شایستگی راهنمایی داشته باشند، امکانی است برای شناختن راه‌های صحیح و تعیین کننده در جست‌وجوی پیشرفت. آن کسی که از راهنمایی دیگران استفاده می‌کند، زودتر به دروازه‌های موفقیت می‌رسد.

علیرضا رستگار

همشهری آنلاین